



تئیه های امروز

عصیانیت وزارت خارجه آمریکا از تأکید سپاه بر بستن تنگه هرمز در صورت تهدید ملت ایران

آمریکا:
آقای ظریف؟!!



اعضای شورای اسلامی شهر تهران در گفت و گو با «وطن امروز» تأکید کردند

شهرداری دولتی
می خواهند!

به همت آستان قدس رضوی صورت گرفت

اعزام ۱۵۰۰ کم درآمد
به مشهد مقدس

کشتی درخشان و ۳ پیروزی با ضربه فنی

حمیدسوریان
المپیک می شود

روزنه

چرا ستارخان هم نگران بود؟

سعید ملکی

جستاری در گرفتاری پیروان نظریه «نوم توطئه» در نوم «عدم وجود توطئه»

اگر آقای رئیس جمهور و دولت محترم بپذیرند همه منتقدان برجام از یک جنس نیستند و برخی از آنها لاقال از سر دلسوزی و نگرانی به انتقاد از مذاکرات هسته ای ایران با غرب می پردازند، طبیعتاً و به عنوان نتیجه منطقی باید بپذیرند انتقاد همین عده فزاینده نخبه نخبه نخبه مبتنی بر منطقی عقلایی است. اگر تاریخ کشور را به عنوان شاخصی «همه فهم» مبنای مدعی منتقدان قرار دهیم شکی نیست پذیرش آن از سوی سلاطین مختلف قابل انتظار است. به عبارت بهتر کسی نمی تواند «بهراحتی» وقایع تاریخی که در طول سالیان سال بر سر یک ملت آمده و...

ادامه در صفحه ۵

پس از سنگ اندازی های آمریکا در مسیر اجرای برجام، اتحادیه اروپایی نیز محدودیت های علمی علیه ایران را ادامه می دهد

تحریم دانشگاه شریف

دادگاه لوکزامبورگ با رد شکایت ایران رأی به اجرای تحریم دانشگاه شریف داد



صفحه ۲

جهانی شدن یا استعمار فرانو

الیگارش می چگونه جهان را می بلعد؟

علیرضا داوودی

حکومت گستر ملی باید نقش خود را در درون این نظام جدید می یافتند که لازمه آن هم اجبار این طبقه ممتاز ملی به پذیرش نظام سلسله مراتبی بین المللی و همچنین مشروعیت بخشی به این سیستم بین المللی در میان ملت ها بود و راه حل آن از مسیر جهانی شدن می گذشت.

حکومت مستقیم توسط استعمارگر اعمال می شد و تمام منابع و منافع مستقیماً به کشور مادر فرستاده می شد.

استعمار نوین: انگلستان پیشگام نسل دوم استعمار بود که به جای حکومت مستقیم از افراد و کمپانی های وابسته استفاده می کرد و در قالب حکومت محلی به طور غیرمستقیم اداره کشور را بر عهده داشته، منافع مالی را به سمت خود سوق می داد. این حرکت در واقع نخستین پاسخ الیگارش می استعمارگر به اقدامات ضد استعماری بود. قدرت گرفتن انگلستان در اروپا و عقب راندن قدرت های سنتی مانند اسپانیا و پرتغال محصول همین نگرش مترقی و موقعیت شناسی این کشور است.

الیگارش می در این مرحله الیگارش می ملی در سطح بین المللی تلاش کرده است تا تولید الیگارش های وابسته (بومی یا غیربومی) در درون جامعه هدف و نهادن سیاست به این گروه منافع خود را تأمین کند. در این مسیر علاوه بر اینکه حس ملی گرایانه تا حدودی اشیاع می شود، مسیر انتقال ثروت و افزایش قدرت هموارتر و کم خرج تر می شود.

استعمار فرانو: جنگ دوم جهانی زمان خیزش الیگارش می ایالات متحده از مرزهای ملی به عرصه جهانی بود. زمانی که اروپا در آتش جنگ جهانی سوخت، برادر بزرگ تر از دیگر سوی عالم به کمک شتافت و با کمترین هزینه پیروز میدان تقسیم جهان شد. آمریکای جوان با استفاده از ظرفیت های ملی خود توانسته بود به سرعت رشد کند و طبقه ممتاز و حاکم این کشور نیاز داشت برای تداوم توسعه، امکانات جهان را به کار گیرد و جهان دوقطبی به معنای یکه تازی این کشور در فضای اقتصاد آزاد و کنترل همه جانبه مسیرهای مالی بود.

سازمان های مالی و پولی بین المللی در واقع ایجادکننده یک سیستم منظم بین المللی برای الیگارش می های داخلی بوده است و خاندان های

الیگارش می پیگیری شده است. الیگارش می در سیر تاریخی دارای ۲ مسیر یا سطح توسعه عمده است. ۱- بسط ثروت و قدرت مبتنی بر ظرفیت های درون مرزی

در این سطح به دلیل وجود ظرفیت های عظیم استفاده نشده در درون مرزها رقابت ثروت محدود به مرزهای ملی است و عموم خاندان های طبقه ممتاز تلاش دارند حصه بیشتری از این منابع را تصاحب کنند. در این سطح زمین داری و استفاده از معادن طلا و نقره اولویت دارد. این مسیر در تمام کشورهای طی شده است و الیگارش می در گام اول تلاش می کند در درون مرزهای ملی اقتدار خود را تثبیت و ثروت اندوزی خود را قانونی کند.

الیگارش می با نگاه فرامرزی الیگارش می در این مرحله با تکمیل شدن ظرفیت های داخلی یا به دلیل نیاز به یک وزنه پیروزی بخش در برابر رقیبان داخلی، نیازمند ایجاد ظرفیت های نوین برای افزایش ثروت و نفوذ است که لازمه آن عبور از مرزهای ملی و استفاده از ظرفیت های دیگر سرزمین هاست. تجارت گسترده بین کشورها نخستین زاینده الیگارش می در این مرحله است و رقابت میان خاندان های ممتاز ملی در سطح بین المللی با یکدیگر استعمار را ایجاد کرده است. این مسیر فراملی تاکنون ادامه داشته است اما تغییرات گسترده ای را شاهد بوده که می توان ۳ نسل را باز شناسی کرد.

استعمار سنتی: «اسپانیا»، «هلند» و «پرتغال» پیشگامان این روش استعماری هستند. عمده دلیل آغاز این حرکت را می توان در رقابت گسترده خاندان های ثروتمند اروپایی و پادشاهی های خودکامه حاکم دانست. در این مرحله خاندان های قدرتمند اروپایی برای توسعه ذخایر طلا و اجناس گرانبهای خود و افزایش قدرت نظامی- اقتصادی اولین سفرهای اکتشافی و در نتیجه نخستین حرکت استعماری را آغاز کردند. در این شیوه

الیگارش می را می توان همزاد مالکیت خصوصی و حس تملک بشری دانست. آنگاه که گروهی، زمینی را برای خود حصار کردند و وسیله یا ابزاری را برای خود انحصار بخشیدند و این انحصار به صورت موروثی در درون آن خاندان جریان یافت، جرقه های الیگارش می زده شد. این حس تملک و برتری بر دیگران همانند افیونی دلنشین در جان خاندان های ثروت و قدرت جریان دارد و چشم پوشی از آن برای این طبقه نه دلخواه و نه ممکن است.

تأثیر الیگارش می بر سیاست و حکومت قدمتی به اندازه تاریخ سیاسی بشر دارد چرا که همواره صاحبان ثروت برای تداوم مسیر ثروت اندوزی، تمایل به دخالت در سیاست و کنترل جامعه دارند، به همین دلیل پیوندی عمیق میان ثروت و قدرت در پهنه سیاسی جهان رقم خورده است. سیاست در چهره بروکراتیک خود بیشتر عامل تثبیت موقعیت، قانونی سازی برتری و هموارسازی مسیر توسعه ثروت و نفوذ الیگارش می است. کنش و واکنش سیاسی در یک جامعه تا حدود زیادی محصول رقابتی اجتماعی برای کاهش این انحصار از سوی فقدان و افزایش آن از سوی بهره مندان است. به رغم اینکه طبقه ممتاز همواره به محافظه کاری و پیگیری ثبات وضع موجود شناخته می شود باید اذعان کرد این امر بدین معنا نیست که الیگارش می از تغییر استقبال نمی کند، حتی می توان ادعا کرد هر تغییر در تاریخ سیاسی- اقتصادی جهان توسط این طبقه

برنامه ریزی و اجرا شده و در مواردی که این گروه مبدأ تحول نبوده در نهایت انتهای آن براساس میل این گروه اتفاق افتاده و خاتمه یافته است. این پیوند و سطح تأثیرگذاری الیگارش می در طول تاریخ همواره مسیر انبساطی و توسعه ای را طی کرده تا جایی که در جهان کنونی الیگارش می با استفاده از ابزار جدید به نام «جهانی شدن» مسیر توسعه ثروت را در مقیاس جهانی را طی می کند.

جهانی شدن در دوران کنونی جدیدترین پروژه خاندان های حکومت گر برای بسط نفوذ و ثروت در مقیاس بین المللی است. جهانی شدن در واقع ادامه سیاست هایی است که در سطح دوم توسعه

یادداشت امروز

دب اصغر، دب اکبر
و برجام!

حسین قدیانی

چه کم دارد عرق کارگر از خون شهید که شهید با شهادت، رسالت خود را تمام کرده است اما کارگر همچنان باید زحمت بکشد و باز هم



باید کار کند بلکه ایران عزیز ما در محصولی دیگر خودکفا شود تا آن وقت همین من و شما هنگام خرید از فروشگاه شهروند یا فروشگاه رفاه در اوج ملی گرایی (!) برویم جنسی را که دسترنج کارگر هموطن است بیچنانیم، جنس خارجی بخریم، خیر سرمان «برند» بخریم تا این فقط دولت نباشد که با سمفونی رنگارنگی از واردات، واردات همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد، بر فرق کارگر ایرانی بکوبد؛ پس چه می شود سهم سیلی ما ملت بر صورت کارگر ما ملت که همین برادرمان باشد، همین دوستان، همین قوم و خویش مان و همین همسایه مان؟! به خدا جا دارد بروید نه یک بار، بلکه چند بار، مشروح دیدار رهبر انقلاب با جماعت کارگر را ببینید و ببینید کارگر ایرانی کجای سخنانی شمع جمع، این «ایرانی ترین ایرانی»، این «ملی ترین ایرانی» تکبیر فرستاد؟! و ببینید دل این کارگر عزیز چقدر باید خون باشد که حتی هنگام بیان جمله بدیهی و ساده ای چون «برند نخردید» هم تکبیر بفرستد! و باز ببینید دل این کارگر عزیز چقدر باید خون باشد از تبعیض و بی عدالتی که تکبیر بفرستد حتی آنجا که رهبر معظم تأکید کامل طبیعی می کنند: «منظور من از مبارزه با قاچاق، مبارزه با فلان کوله بر لب مرز نیست!» وقتی کارگر برای بیان این مسلمات هم تکبیر می فرستد، بی تعارف یعنی ناراضی از اوضاع است؛ ناراضی، هم از دولت و هم از ملت که من باشم و شما! «فروشگاه شهروند» زیر نظر «شهرداری» است و «فروشگاه رفاه» زیر نظر «دولت» و من تنها به عنوان یک مثال کوچک، دم دستی و ملموس دارم به این ۲ نمونه اشاره می کنم. این همه جنس خارجی در این ۲ فروشگاه چه می کند؟! وارد هر ۲ فروشگاه می شوی، کم و بیش بر است از شعار سال که «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» اما اینگونه؟! الف الفای اقتصاد مقاومتی گمان همین باشد که لاقال در این ۲ فروشگاه، کمی کمتر شاهد رزه این همه جنس خارجی باشیم، حداقل در محصولاتی که کالای ایرانی کیفیت مشابه کالای خارجی دارد! آقایان بگویند نسبت به سال گذشته که لاقال به حیث اسم، نامی جز «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» بر تارک خود داشت، از عرضه کدام جنس خارجی در این ۲ فروشگاه خودداری کرده اند؟! از قضا عمده خرید مردم از فروشگاه های زنجیره ای، شامل محصولاتی است که نمونه داخلی، هیچ کم از نمونه خارجی ندارد. لاقال در همین دسته از محصولات، اندکی از شعار سال پیروی کنید! از دیگر سو و همچنان که باری پیش از این نوشته بودم، اوج ملی گرایی را در این همه جنس بدانیم و علم داشته باشیم نمونه داخلی فلان محصول، نسبت به نمونه خارجی کیفیت نسبتاً پایین دارد اما ناظر بر همین عرق ملی، نیز ناظر بر احترام و اهتمام به عرق کارگر هموطن، برویم همان جنس داخلی را بخریم تا اولاً کارگر ایرانی با دست خودمان پرت به بیرون از این مسابقه برابر اقتصادی نشود یعنی بیکار نشود، ثانیاً متأثر از حس ملی گرایی هموطنان خود، تشویق شود به ارائه جنس بهتر و مرغوب تر. برای این مهم البته ثالثاً و رابعاً و... هم می توان ردیف کرد! لیکن فی الحال سختم چیز دیگری است؛ نهایت عدالت با کارگر ایرانی و اوج دشمنی با ملی گرایی آنجاست که مثلاً وارد همین فروشگاه های فوق الذکر شویم و علم داشته باشیم در اغلب شونده ها، اغلب محصولات بهداشتی، اغلب محصولات خوراکی و... کیفیت محصول کارگر ایرانی، پایین تر از کیفیت نمونه خارجی نیست اما چون شهوت خرید جنس خارجی داریم باید جنس خارجی بخریم!

ادامه در صفحه ۵

بنی آدم اعضای یک پیکرند
Human beings are members of a whole
گرامیداشت هفته هلال احمر
۱۸ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ - 8 May 2016

